نگاه

اهمیت استقلال دانشگاه‌ها

جعفر توفیقی

اصلی‌ترین رویکرد علمی دولت قبل، یعنی دولت هفتم، مدیریت غیرمتمرکز در حوزه آموزش‌عالی بود. ما تلاش داشتیم با دادن اختیارات به دانشگاه‌ها و تقویت هیات‌های امنا و مشارکت بیشتر اعضای هیات‌علمی در مدیریت دانشگاه‌ها، مدیریت متمرکز را کنار بگذاریم. بند الف ماده ۲۹ قانون برنامه چهارم توسعه نمونه این نگاه بود که هیات‌های امنا را بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در امور دانشگاه‌ها می‌شناخت. اما در دولت نهم این رویکرد کمابیش تحت‌الشعاع قرار گرفت. ما شاهد یک روند معکوسی بودیم که بر تمرکزگرایی در مدیریت آموزش‌عالی تاکید داشت. خیلی از اختیاراتی که به دانشگاه‌ها داده شده بود به‌تدریج کم شد و بعضی از آنها هم به‌طور کامل به وزارت علوم بازگشت. به نظر من یکی از تغییر جهت‌های اساسی، همین بحث اختیارات و استقلال دانشگاه‌ها و جایگاه هیات‌های‌امنا بود. شاید یک نگرانی از بحث استقلال دانشگاه‌ها در مجموعه فکری فعلی وجود دارد و آن را در تعارض با ایدئولوژی دانشگاه اسلامی- آن‌طور که تاویل و تفسیر می‌کنند- می‌بینند. اما به نظر من این نگرانی از اینجا ناشی می‌شود که دوستان به بحث استقلال دانشگاه‌ها توجه کافی نکرده‌اند. استقلال به معنای استقلال از حاکمیت و ارزش‌های نظام نیست، بلکه افزایش اختیارات دانشگاه در چارچوب قوانین موجود در کشور مدنظر است. استقلال دانشگاه‌ها به این معناست که دانشگاه به‌عنوان یک سازمان توانمند، خودش را اداره کند در متن قانون هم به‌صراحت به این موضوع اشاره شده است که منظور از استقلال دانشگاه یعنی اختیارات اداری، مالی، تشکیلاتی و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی. اینکه بودجه‌ای را که دولت می‌دهد، دانشگاه خودش بداند که چگونه خرج کند یا در ارتباط با صنعت اگر رشته جدیدی نیاز است، خودش راه‌اندازی کند. یا در برنامه‌های درسی خود بازنگری کند و معطل وزارت علوم نشود. استقلال به این معنا نیست که دانشگاه سیاست‌های کلی نظام را به هم بریزد. اگر یک روزی بحث شاخص‌های اسلامی مطرح باشد، در مقایسه بخش‌های مختلف کشور، به نظر من دانشگاه‌ها از نظر شاخص‌های اسلامی چیزی کمتر از جاهای دیگر ندارند. معمولا کمترین خطاها در دانشگاه است. ما هیچ‌وقت خرج فساد مالی را در دانشگاه‌ها ندیده‌ایم. دانشگاه‌ها بعد از انقلاب یکی از موفق‌ترین دستگاه‌ها بوده‌اند. بنابراین اینکه ما به اسم اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها نگران باشیم منتفی است. استقلال دانشگاه‌ها در همه جای دنیا به عنوان یک سیاست مطرح است و هدفش هم این است که دانشگاه‌ها به‌عنوان نهاد کارشناسی با این افزایش اختیارات بتوانند حداکثر خدمات را به جامعه ارایه دهند و در قید و بندهای بوروکراسی نباشند.

نگاه

دانشگاه بازاری‌شده

سعید ارکان‌زاده‌یزدی

ماه، عین شدن لایه‌های پنهان اما اثرگذار کسب و کار دانشگاهی در ایران بود. راحت‌تر می‌توان گفت که دانشگاه بازاری شده و کل پروسه دانشگاه دیگر، یک عمل اقتصادی است. این روزها همه چیزم توسعه نمونه خیلی واضح ببینند که نهادها و اشخاص هم علمی که روزگاری اسطوره‌های این مملکت بوده‌اند، از جنس خوان اهالی هستند و به همان مسایلی دچار شده‌اند که دیگر بخش‌های جامعه. اسطوره‌شکنی که بسیاری از جنبه‌های زندگی ایرانیان معاصر را زیروزبر کرده به دانشگاه‌ها نیز وارد شده. ابداع اساتیدی دکتر حسابی و بحث‌هایی درباره القاب پیش از اندازه بزرگ به او، نمونه‌ای از این اسطوره‌شکنی است. انتقادهای جدیه به اخلاق حرفه‌ای پزشکان و اقتصادی فکر کردن آنها هم نمونه دیگری است.

مثبت مهم اسطوره‌شکنی این است که افراد را از تفکر اسطوره‌ای و بها دادن بیش از حد به پدیده‌ها خلاص می‌کند و باعث می‌شود آدم‌ها با واقعیت‌های تلخی که وجود دارند، روبه‌رو شوند و آنها فرار نکنند. دولت نهم و دهم، احتمالا ناخواسته یا با اهداف دیگری به این اسطوره‌شکنی کمک کرد. نمی‌توان گفت که پیش از این دولت‌ها دانشگاه‌ها نهادهای پاکی بودند که از هر خطا و خللی مبرا بودند اما دو دولت اخیر، در عینی کردن چنین وضعیتی در دانشگاه‌ها کمک بزرگی کرده.

بازاری شدن دانشگاه‌ها و امور دانشگاهی یعنی اینکه وقتی یک دانشجو نیاز دارد که یک مقاله آی‌اس‌آی در علمی جهان چاپ کند، می‌تواند به موسساتی مراجعه کند که در روز روشن، تبلیغاتشان همه دیوارهای خیابان انقلاب را برکرده و به موسسه یولی بدهد و پذیرش مقاله را بگیرد. حتی بعضی از این موسسات، گرفتن یولشان را به مرحله پس از پذیرش منوط کرده‌اند؛ مثل خریدن هتدوله پس از بردن و اطمینان از شیرین بودن آن.

دانشگاه بازاری شده یعنی اینکه در دو سال، ظرفیت دوره دکترای دانشگاه‌ها دوبرابر شود و حتی برای علمی آموزنی، ارتباط صرف هم، دانشگاه‌ها در مرحله تکمیل ظرفیت اعلام نیاز کنند. هر کس ۴۵ میلیون تومان بدهد، یک دکترای علمی، دانشگاه بدهد. به‌راحتی می‌تواند شد! دولتمردان از دو وزارت علوم، باید با سرعت خیزکنندهای نظم رایج را تغییر دادند.

بعد آنکه در دولت‌های نهم و دهم، مرکزی چون دانشگاه پیام‌نور، حرمت و بالاترین وجوه را گرفت. بسیاری از دانشگاه علامه‌طباطبایی پس از کاهش رتبه تنها دانشگاه علوم اسلامی و انحلال یکشبه گروه اقتصاد و توسعه لوح‌تقدیر گرفت. کمی آن‌طرف‌تر هم دانشجوی ستاره گرفت و استادی دیگر حتی بازنشستگی در طرف مقابل، دولتمردان صدرنشین دوره‌ای که اغلب هم‌کلاسی‌ها و در دانشگاه علم و صنعت بودند، در بدنه وزارت علوم جای گرفتند. آنها در قدم اول، اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها را نشانه رفتند. یعنی آن از نوبت به رشته‌های بوم‌ار رسید. گروه اقتصاد و توسعه دانشگاه علامه‌طباطبایی یکشبه منحل شد. اینکه باید به‌طور حقوق دانشگاه در این دانشگاه به‌رغم میل باطنی خود بازنشسته شدند گروه‌های فلسفه، اساتید جدیدی را در ترکیب خود دیدند. ظرفیت جذب دانشجو در رشته ارتباطات یکشبه صفر شد. جامعه‌شناسی منهم شد جامعه‌شناسی و علوم سیاسی رنگ ناخت. دولت نهم جای خود را به دولت دهم داد. بین با آب از آب تکان خورد. کیفیت جستجوی به گفتمان غالب روی وزارت علوم تبدیل شد. حمید احمدی‌نژاد برای حفظ زنبر سیاسی خود، دستور دفتر تحکیم وحدت را در سال ۱۳۸۹ صادر کرد روی وزارت علوم اما مصمونتر، پشت پرده قانون اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها مستتر شدند و بی‌آن که به پیکره جستجوی، دستور دادند دانشگاه‌های تک‌جنسیتی را نیز صادر کردند. موج بازنشستگی و تفکیک جنسیتی و بازنگری علوم اسلامی که خوابید نوبت به دانشگاه آزاد رسید. تنها دانشگاه غیردولتی کرسه که روزی در اوایل انقلاب با کمک یکمیلیون تومانی اماخمینی(ره) شروع به کار کرد و سال‌ها صرف ورود به کارشناسی را خلوت کرد از قبلی، به نزدیک‌ترها رسید. دانشگاه آزاد که بی‌جاسی شد. دختران در مترو تجربه فرار گرفتند و تحصیل آنها در رشته‌های خاص همچون مهندسی عمران محدود شد. از این پس سرعت افتادن بالاتر رفت. استقلال دانشگاه‌ها در پذیرش دختری دکترا از بین رفت. حت روسای منصوبشده دانشگاه‌ها برای جذب اساتید بازنر شد. اختیارات هیات‌های علمی دانشگاه‌ها محدود شد. جذب دانشگاه‌ها «افلاس‌وی» شد و نه به شدت دانشگاه که به دست وزارت علوم توزیع شد. بودجه‌های پژوهشی لاغر شد. خبردوفوش «ISI»، رونق گرفت. دانشگاه‌های پولی با ۴۰ میلیون تومان «دکترا» تولید کردند. «مطالعات زنان» به «حقوق زن در اسلام» تبدیل شد. دانشجویان بورسیه در غربت می‌آز ماندند. ۷۸ درصد از قبول‌شدگان کنکور، جذب دانشگاه‌های پولی شدند. کنکور حذف‌شدنی مطلب حال دانشگاه‌ها مقدمه‌ذو و مقطع جدید برای مقایسه. دانشگاه قبل از دولت‌های نهم و دهم، و بعد دولت‌های نهم و دهم.

برگربان پاییزی و بازنشستگی اساتید

۱ تدریس و تحصیل است. به‌عنوان مثال لیستیش با شاگرد ایرانی و پروفسور خارجی تا آخرین لحظات عمرشان در حال تدریس و انتقال تجربیات علمی خود به شاگردانشان بودند. نه اینکه عرصه را بر جوانان تنگ کنند بلکه ورنده‌ها و مکملی‌های برای فضای علمی دانشگاه‌ها بودند. همچنین منبهر است که پنج رییس در میان ۲۵ رییس دانشگاه‌ها هاروارد به نامبرد در دفاتر کاری خود قید کرده‌اند. در ایران اما مسوولان وزارت علوم با بازنشستگی دست‌کم ۵۰ اساتید دانشگاه که عمدتا در علوم اسلامی مشغول به کار بودند. کارنامه نه‌چندان روشنی از خود به جای گذاشتند. اساتیدی همچون محمد سازی‌فر، شهلا اعزازی، مرحوم حسامی، صدیق سورستانی، مرتضی مردیها، محمدرضا شفیعی‌کدکنی، پرویز پیران، فرامرز رفیع‌پور، غلامعباس توسلی، رضا داوری‌اردکانی، امیرناصر کاتوزیان، حسین بشیریه، محمدرضا غیاثی‌بیگلی، سیدعلی آزمایش و ایرج گلمیزوریان در دولت‌های نهم و دهم با رتبه‌های ایران خاحاظفی کردند کسانی که سال‌ها باید بگذرد تا جای خالی آنها در مراکز دانشگاهی پر شود.

۲ در مجلس هفتم که مستقیما با این موضوع روبه‌رو بود، در سال ۹۵ پیگیری‌های تعدادی از نمایندگان تنها برای همان سال به رفع مشکل بعضی از دانشجویان کمک کرد اما ماجرا در سال‌های بعد باشدت بیشتر تکرار شد. چرا مجلس نتوانست از این کار جلوگیری کند؟

در مجلس هفتم این موضوع خدشه کندکه نهادها بودند که این کار را پیگیری می‌کردند اما نتوانستند به نتیجه مطلوب برسند.

۳ تفکیک جنسیتی هم از موارد نارضایتی دانشجویان و منتقدان سیاست‌های دولتی بود. آیا این موضوع جدا از عوالب فرهنگی و اجتماعی، در حوزه‌های آموزشی هم بود تو؟

بحث تفکیک جنسیتی یک بحث مبسوط اجتماعی و پژوهش هم نوز مزیندی و باید به آن پرداخت اما در زمینه آموزش‌عالی و پژوهش نیز هم مزیندی غیرعلمی نهایتا می‌تواند عدالت را خدشه‌دار کند یعنی هر بایدی که خارج از ضوابط علمی باشد، بالاخره منجر به محرومیت یک عده می‌شود. دیدگاهی در جامعه ما وجود دارد که اصولا با رواط زن و مرد مشکل دارد و یکی‌یکی در انجمن‌ها بسته و این کارها صرفا محدود شد به تشکل‌هایی که به نوعی همسو با مسوولان هستند. به‌طوری که الان کمتر از دو ماه به انتخابات مانده و تقریبا نمی‌بینیم در دانشگاه‌ها جلسات پرسش و پاسخ برگزار شود و دانشجویان با شور و شوق شرکت کنند. از دوره‌های گذشته یادمان هست که دانشجویان موتور محرکه گرم کردن جامعه بودند و معمولا بر اساس جلسات پرسش و پاسخ دانشجویی با کاندیداها و هواداران‌شان خبرها از دانشگاه به بیرون می‌آمد. این برنامه‌ها طنین گسترده‌ای در شهرها پیدا می‌کرد اما الان تشکلی نیست که این کار را انجام دهد. تشکل‌های غیرمستقل هم انگیزه‌ای ندارند چون رقابتی در کار نیست و اگر جلسه‌ای هم بگذارند، خیلی با اقبال دانشجویان روبه‌رو نمی‌شود. طبیعی است که اگر مسوولان بخواهند انتخابات پرشور باشد، احتیاج به فضایی باز هست که افراد بتوانند حرف بزنند و از آینده خودشان وحشت نداشته باشند.

۴ محدودسازی دانشجویان در این چند سال چه تبعات دیگری داشت؟

برخورهایی که با فعالان گذشته دانشجویی صورت گرفت، به‌خصوص صبح یک روز کاری ممکن است با تلبع جدیدی روی سر در دانشگاه‌مان مواجه شوند و دوسال بعد دوباره تابلو فیلمی را سر جایش ببینند. غیرمنتظره بودن تنها بخشی از آن چیزی است که منتقدان، به وزارت علوم این سال‌ها و آموزش‌عالی در وزارت بهداشت نسبت می‌دهند. آموزش‌عالی در دولت‌های نهم و دهم با در پیش‌گرفتن سیاست‌های جدید نسبت به دوره‌های گذشته، از سوی بسیاری از چهره‌های علمی و دانشگاهی مورد انتقاد قرار گرفت. آنچه به‌عنوان تمرکزگرایی و تضعیف استقلال از دانشگاه‌ها مطرح می‌شود، می‌تواند سرنخ بسیاری از انتقادات بعدی در آموزش عالی باشد. دانشگاه‌هایی که حالا دیگر سهم زیادی در تصمیمات داخلی‌شان نداشتند، تن به تغییرات آیین‌نامه جذب هیات علمی و تمرکز آن در وزارت علوم دادند. فعالیت‌های دانشجویی و تشکلی‌شان در سکوتی خودساخته فرو رفت و سهمیه‌های جنسیتی و تفکیک‌دهندشان فضا را بیشتر دانشجو در دفترچه انتخاب رشته سازمان سنجش ثبت شد. کلاس‌هایشان یکی پس از دیگری تفکیک جنسیتی شد و نیز آیین‌نامه‌های انضباطی مقابل درهای ورودی‌شان نصب شد. بسیاری از این تصمیمات از محورهای انتقاد نسبت به عملکرد این دولت‌ها در حوزه آموزش‌عالی بوده است. احمد شیرزاد رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ششم و استاد دانشگاه صنعتی اصفهان در گفت‌وگو با «شرق» به تشریح انتقادات وارد شده به برخی از این سیاست‌ها پرداخته است.

۵ آقای شیرزاد فضای دانشجویی در دانشگاه‌ها تغییرات زیادی کرده. به‌طوری که در آستانه انتخابات بر خلاف دوره‌های قبل، هنوز برنامه‌هایی در سطحی که امکان جریان‌سازی و جهت‌دهی به افکار عمومی را داشته باشد برگزار نشده. فکر می‌کنید این مساله از کجا ناشی شده؟

در این دو دوره چهار ساله دولت نهم و دهم دغدغه جذب اعضای فعالیت‌های دانشجویی بامشدت راکد شد. علت این امر را در برخوردهایی می‌دانم که با دانشجویان صورت گرفت و محدودیت‌هایی که برای آنها به وجود آمد. در واقع ما درست برعکس دوره اصلاحات که یک فضای پرنشاط سیاسی و فرهنگی در دانشگاه دانشجو، در حال حاضر فضایی سرد و دلمرده داریم که حتی روی کیفیت آموزشی هم اثر دارد. دانشجویان به کلی آن روحیه نشاط و شور جوانی را از دست دادهاند.

۶ چطور این اتفاق افتاد؟

به چند تشکل، عملکرد نهادهای فرهنگی در دانشگاه عملکردهایی بسته و کنترلی بود که مجوز نشریه‌ها و فعالیت‌های فوق‌برنامه دانشجویی را بسیار محدود کرد. مجوزها و امکانات فرهنگی‌ای که در اختیار دانشجویان بود، یکی پس از دیگری قبض و در داخل دانشگاه کنار رییس دانشگاه معاون یا رییس دفتری قرار گرفت که همه فعالیت‌های فرهنگی باید از کنال او عبور می‌کرد. در این دو دوره اخیرا مدیریت مسایل دانشجویی دانشگاه‌ها تقریبا بطور کامل به نهادهایی خارج از دانشگاه سپرده شد و مدیران دانشگاه بایستی از آن اتاق بیرون کشیده شوند که در حوزه‌های فعالیت دانشجویی و رسانی دانشگاه‌ها با گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی ارتباط برقرار می‌کردند و چون معمولا مدیریت دانشگاه‌ها از اعضای هیات علمی بودند یا نوعی صمیمیت و روابط عمیق و شاگردی و مساعت خطاهای اجرایی دانشجویان را مدیریت می‌کردند. در این دوره متاسفانه از اینکه جه جسانی برگزار شود تقریبا دیگر در دست رسانی دانشگاه‌ها نبود و بطور ناگهانی اغلب با این شرط سر کار آمدند که این مسایل را به کسان دیگری واگذار کنند. با تشکل‌های دانشجویی مستقل که باید عهده‌دار این کار فعالیت‌ها می‌شدند و چهره‌هایی را به دانشگاه دعوت می‌کردند، برخورد شد.

عکس: علیرضا حسنی- شرق

بررسی کارنامه‌های آموزش‌عالی دولت‌های نهم و دهم در گفت‌وگو با احمد شیرزاد

دانشگاه سیاست‌زده

مینا عینی‌فر

غیرمنتظره یا با اعلام قبلی، فرقی نمی‌کرد. آنها که در این سال‌ها مخالفت‌شان را با تصمیمات وزارت علوم اعلام کرده باشند. دیگر می‌دانند این وزارتخانه سر شنیدن حرف‌هایشان را ندارد. حتی ممکن است بازتاب گفته‌هایشان را در سخنرانی بعدی وزیر میان کنایه‌هایش پیدا کنند. ممکن است کنکوری‌ها درست وقتی یکسال برای انتخاب رشته مورد علاقه‌شان صبر کرده‌اند، با دفترچه روبه‌رو شوند که در آن خبری از رشته مورد نظر نیست یا بدون اطلاع قبلی بفهمند از جنس صاحب صلاحیت برای انتخاب آن رشته نیستند. ممکن است آن طرف دنیا خبر برسد دیگر قرار نیست از دانشجویی به دست دانشجو برسد و باید فکری به حال ادامه تحصیل با شرایط جدید کند. استادان یک دانشگاه صبح یک روز کاری ممکن است با تابلو جدیدی روی سر در دانشگاه‌شان مواجه شوند و دوسال بعد دوباره تابلو قبلی را سر جایش ببینند. غیرمنتظره بودن تنها بخشی از آن چیزی است که منتقدان، به وزارت علوم این سال‌ها و آموزش‌عالی در وزارت بهداشت نسبت می‌دهند. آموزش‌عالی در دولت‌های نهم و دهم با در پیش‌گرفتن سیاست‌های جدید نسبت به دوره‌های گذشته، از سوی بسیاری از چهره‌های علمی و دانشگاهی مورد انتقاد قرار گرفت. آنچه به‌عنوان تمرکزگرایی و تضعیف استقلال از دانشگاه‌ها مطرح می‌شود، می‌تواند سرنخ بسیاری از انتقادات بعدی در آموزش عالی باشد. دانشگاه‌هایی که حالا دیگر سهم زیادی در تصمیمات داخلی‌شان نداشتند، تن به تغییرات آیین‌نامه جذب هیات علمی و تمرکز آن در وزارت علوم دادند. فعالیت‌های دانشجویی و تشکلی‌شان در سکوتی خودساخته فرو رفت و سهمیه‌های جنسیتی و تفکیک‌دهندشان فضا را بیشتر دانشجو در دفترچه انتخاب رشته سازمان سنجش ثبت شد. کلاس‌هایشان یکی پس از دیگری تفکیک جنسیتی شد و نیز آیین‌نامه‌های انضباطی مقابل درهای ورودی‌شان نصب شد. بسیاری از این تصمیمات از محورهای انتقاد نسبت به عملکرد این دولت‌ها در حوزه آموزش‌عالی بوده است. احمد شیرزاد رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس ششم و استاد دانشگاه صنعتی اصفهان در گفت‌وگو با «شرق» به تشریح انتقادات وارد شده به برخی از این سیاست‌ها پرداخته است.

آقای شیرزاد فضای دانشجویی در دانشگاه‌ها تغییرات زیادی کرده. به‌طوری که در آستانه انتخابات بر خلاف دوره‌های قبل، هنوز برنامه‌هایی در سطحی که امکان جریان‌سازی و جهت‌دهی به افکار عمومی را داشته باشد برگزار نشده. فکر می‌کنید این مساله از کجا ناشی شده؟

در این دو دوره چهار ساله دولت نهم و دهم دغدغه جذب اعضای فعالیت‌های دانشجویی بامشدت راکد شد. علت این امر را در برخوردهایی می‌دانم که با دانشجویان صورت گرفت و محدودیت‌هایی که برای آنها به وجود آمد. در واقع ما درست برعکس دوره اصلاحات که یک فضای پرنشاط سیاسی و فرهنگی در دانشگاه دانشجو، در حال حاضر فضایی سرد و دلمرده داریم که حتی روی کیفیت آموزشی هم اثر دارد. دانشجویان به کلی آن روحیه نشاط و شور جوانی را از دست دادهاند.

به چند تشکل، عملکرد نهادهای فرهنگی در دانشگاه عملکردهایی بسته و کنترلی بود که مجوز نشریه‌ها و فعالیت‌های فوق‌برنامه دانشجویی را بسیار محدود کرد. مجوزها و امکانات فرهنگی‌ای که در اختیار دانشجویان بود، یکی پس از دیگری قبض و در داخل دانشگاه کنار رییس دانشگاه معاون یا رییس دفتری قرار گرفت که همه فعالیت‌های فرهنگی باید از کنال او عبور می‌کرد. در این دو دوره اخیرا مدیریت مسایل دانشجویی دانشگاه‌ها تقریبا بطور کامل به نهادهایی خارج از دانشگاه سپرده شد و مدیران دانشگاه بایستی از آن اتاق بیرون کشیده شوند که در حوزه‌های فعالیت دانشجویی و رسانی دانشگاه‌ها با گروه‌ها و تشکل‌های دانشجویی ارتباط برقرار می‌کردند و چون معمولا مدیریت دانشگاه‌ها از اعضای هیات علمی بودند یا نوعی صمیمیت و روابط عمیق و شاگردی و مساعت خطاهای اجرایی دانشجویان را مدیریت می‌کردند. در این دوره متاسفانه از اینکه جه جسانی برگزار شود تقریبا دیگر در دست رسانی دانشگاه‌ها نبود و بطور ناگهانی اغلب با این شرط سر کار آمدند که این مسایل را به کسان دیگری واگذار کنند. با تشکل‌های دانشجویی مستقل که باید عهده‌دار این کار فعالیت‌ها می‌شدند و چهره‌هایی را به دانشگاه دعوت می‌کردند، برخورد شد.

با توجه به اینکه این گونه تغییرات در آیین‌نامه‌ها اعمال شده، اگر بعد از این دولت، دیگران تمایل به تغییر روش‌ها داشته باشند، می‌توانند این شرایط را اصلاح کنند؟

این کار زمان‌بر هست اما اگر واقعا افرادی بیایند که رویکرد مثبتی داشته باشند، امکان تصحیح هست. خوشبختانه اغلب این چارچوب‌ها وجود داشته و ما نمی‌خواهیم چارچوبی کشف کنیم. آیین‌نامه‌های نسبتا معتدلی که بود در دوره دکتر معین و دکتر توفیقی اجرا شد. اتفاقا مقدرترین روسای دانشگاه‌های ما در آن زمان رویایی بودند که با نظر هیات علمی انتخاب شد چراکه همه با آنها همکاری می‌کردند. اما حالا در چارچوب دستورالعمل و آیین‌نامه کار می‌شود در مدت بسیار کوتاهی این کار را کرد اما باید رویکردهای مدیریت کلان حاکم بر دانشگاه‌ها عوض شود.

۷ یکی از تحولات اساسی دولت‌های نهم و دهم افزایش سهم دانشگاه‌های پولی از پذیرش دانشجو بود. به‌طوری که درصد اندکی از ظرفیت دانشگاه‌های سراسری برای پذیرش رایگان دانشجو باقی ماند. حتی روسای برخی دانشگاه‌ها ایجاد پردیس‌های پولی را راهی برای درآمدزایی دانشگاه دانستند. آیا این روش برای جبران مشکلات بودجه‌ای مناسب بود؟

ما درباره بودجه دانشگاه‌ها و رویکردهای تامین بودجه، رفتارهای نوسانی داشتیم. یک زمان وضع خوب بود و بودجه در اختیار روسا گذاشته می‌شد و درآمدهای نفتی خوبی هم بابتش رشد بود اما آن متاسفانه دچار تنگنا شد. ولی فکر می‌کنم در زمینه پرداخت بودجه به برخی واقعیت‌های ناخوشایند نظام آموزش در ایران توان دهند و ساختارها کماکان بازتولید کلیشه این ایراد هستند.

حالا کافی است برای جمع‌بندی، برنامه عمل وزارتخانه‌های دولت نهم و دهم را کنار هم بچینی. ما از سیستم پیش‌بینی‌شده برای پیش مشخص‌تر شود. بازار تکمیل است و خوجی‌اش جامعه‌ای است با بازتولید عمیق «ایرانی». نابرابری‌های بی‌اثر سازشی و فکرشده که بر دل و جان نظام آموزشی ایران نشسته است.

ایده طلایی دولت در تاریخ سیاست‌گذاری‌های جنسیتی یک‌صداله اخیر ایران عقب‌گرد معماری است. عقب‌گردی که سال‌ها بعد، رفته‌رفته آثار سوءاش را در آمار حاکمیتی بیکاری زنان، فقر و فقدان دسترسی به منابع و فرصت‌ها و افزایش انواع خشونت‌ها علیه زنان و بدلایل سنگی زنان به منابع درآمدی همسران و جلوه‌جایی معنادار مشاغل در اختیار زنان به مردان نشان خواهد داد. تفکیک جنسیتی دانشگاه‌ها اتفاقا به‌جایی نخواهد برد که بعدها به‌عنوان یک طرح شکست‌خورده به مسوولان مربوطش خواهد شد و تلاش برای افزایش حضور پسران در دانشگاه‌ها نیز بدون یک بند احساس عدم‌اطمینان و ناامیدی دختران نسبت به ساختارهای تصمیم‌گیر مشهود می‌شود. این وضعیت در شرایطی که کشورها برای حرکت به سمت توسعه به توانمندسازی زنان توجه ویژه می‌کنند، نشان از آن دارد که ما به «توسعه» چندان در محور توجه دولتمردان نبوده یا اگر بوده اتسال و برداشت‌های نژادی از توسعه مبتنی بر توانمندی و ارتقای جامعه مدرک مورد نظر است. اگرنه دولت به‌عادی‌گی می‌توانست برای اینه دخترانی که سال‌ها آمارشان در ورودی دانشگاه‌ها و به ازدیاد گذاشته بود، راهکارهای اجرایی برای ورود به بازار کار بیندیشد نه اینکه میزان بیکاری زنان در سال گذشته نسبت به سال‌های پیش دو برابر باشد.

تاثیر این تصمیم‌گیری‌ها، تاثیرپذیر بوستی و غیرشفافی است که شاید بدانی زودی‌ها از دل آمار غیرشفاف ما به حیاتی درنیز نکند اما مسلما نقد نمی‌تواند نمی‌تواند این واقعیت شد که برنامه تبعیض مثبت (positive discrimination) برای نخستین‌بار در جهان از سوی کشوری چون ایران برای مردان به کار برده شده است. این در حالی است که همواره تبعیض مثبت به عوان یک سیاست حمایتی از زنان برای حضور در دانشگاه‌ها، عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و شهریه‌ای به کار بسته شده و تقریبا در تمام کشورهای متعادل‌ساز ورودی جمعیت دانشگاهی بنا را بر آن گذاشته تا به شکلی از پیرانی حمایت کند که در این سال‌ها به دلیل موج سیاوشی تحصیلکرده‌ها دیگر رغبتی برای ورود به دانشگاه ندارند. رشد آمروزش زنان در ایران از دوران مشروطه تا به حال، با تمام موانع ساختاری، تا به امروز آبروومندانه پیش آمده و انتظار این بود که دولت عدالت‌محور احمدی‌نژاد، امکان دسترسی زنان به بازار کار و آموزش و فرصت‌های برابر تحصیل را فراهم کند.

متاسفانه کارنامه وزارتخانه علوم به‌عنوان اتاق فکر برنامه‌های دولت در تاریخ آموزش عالی زنان ایران به یادگار خواهد ماند.

آنچه بر دانشگاه‌ها طی ۸ سال اخیر گذشت

آنومی دانشگاه

محمدحسین نجاتی

آنچه بر دانشگاه‌های ایران طی هشت سال گذشته، گذشت، سرنوشت دراماتیکی بود. سرنوشتی لبریز از: «بازنشستگی اجباری اساتید، محرومیت‌های بازی دانشجویان، تحمیل سرفصل‌های جدید آموزشی از بالا، مقلب حوالتی در صف تحصیلات تکمیلی، محرومیت دختران از تحصیل در رشته‌های خاص، سپردن تنها مرکز دانشگاهی غیردولتی به گروه‌های تندرو یک‌دست، بار روسای منصوبشده دانشگاه‌ها برای جذب اساتید بدون درنظرگرفتن بدنه علمی دانشگاه، توزیع دلبخواه بودجه از سوی دولت به دانشگاه‌ها، خمیازه بلند تشکل‌ها» و همه اقداماتی که منجر به آنومی دانشگاهی در این هشت سال شد.

تا پیش از دولت‌های محمود احمدی‌نژاد دانشگاه‌های ایران، تعداد دانشگاه‌ها، تعداد هیات‌علمی، کیفیت آموزش، ارتباط صنعت و دانشگاه، توزیع دانشجو در دانشگاه آزاد، توسعه تحصیلات تکمیلی، استقلال دانشگاه‌ها و امنیتی‌بودن یا نبودن آنها با اولیل انقلاب مقایسه می‌شد اما دولتمردان از دو وزارت علوم، با سرعت خیزکننده‌ای نظم رایج را تغییر دادند.

بعد آنکه در دولت‌های نهم و دهم، مرکزی چون دانشگاه پیام‌نور، حرمت و بالاترین وجوه را گرفت. کمی آن‌طرف‌تر هم دانشجوی ستاره گرفت و استادی دیگر حتی بازنشستگی در طرف مقابل، دولتمردان صدرنشین دوره‌ای که اغلب هم‌کلاسی‌ها و در دانشگاه علم و صنعت بودند، در بدنه وزارت علوم جای گرفتند. آنها در قدم اول، اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها را نشانه رفتند. یعنی آن از نوبت به رشته‌های بوم‌ار رسید. گروه اقتصاد و توسعه دانشگاه علامه‌طباطبایی یکشبه منحل شد. اینکه باید به‌طوری حقوق دانشگاه در این دانشگاه به‌رغم میل باطنی خود بازنشسته شدند گروه‌های فلسفه، اساتید جدیدی را در ترکیب خود دیدند. ظرفیت جذب دانشجو در رشته ارتباطات یکشبه صفر شد. جامعه‌شناسی منهم شد جامعه‌شناسی و علوم سیاسی رنگ ناخت. دولت نهم جای خود را به دولت دهم داد. بین با آب از آب تکان خورد. تفکیک جنسیتی به گفتمان غالب روی وزارت علوم تبدیل شد. حمید احمدی‌نژاد برای حفظ زنبر سیاسی خود، دستور دفتر تحکیم وحدت را در سال ۱۳۸۹ صادر کرد روی وزارت علوم اما مصمونتر، پشت پرده قانون اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها مستتر شدند و بی‌آن که به پیکره جستجوی، دستور دادند دانشگاه‌های تک‌جنسیتی را نیز صادر کردند. موج بازنشستگی و تفکیک جنسیتی و بازنگری علوم اسلامی که خوابید نوبت به دانشگاه آزاد رسید. تنها دانشگاه غیردولتی کرسه که روزی در اوایل انقلاب با کمک یکمیلیون تومانی اماخمینی(ره) شروع به کار کرد و سال‌ها صرف ورود به کارشناسی را خلوت کرد از قبلی، به نزدیک‌ترها رسید. دانشگاه آزاد که بی‌جاسی شد. دختران در مترو تجربه فرار گرفتند و تحصیل آنها در رشته‌های خاص همچون مهندسی عمران محدود شد. از این پس سرعت افتادن بالاتر رفت. استقلال دانشگاه‌ها در پذیرش دختری دکترا از بین رفت. حت روسای منصوبشده دانشگاه‌ها برای جذب اساتید بازنر شد. اختیارات هیات‌های علمی دانشگاه‌ها محدود شد. جذب دانشگاه‌ها «افلاس‌وی» شد و نه به حت دانشگاه که به دست وزارت علوم توزیع شد. بودجه‌های پژوهشی لاغر شد. خبردوفوش «ISI» رونق گرفت. دانشگاه‌های پولی با ۴۰ میلیون تومان «دکترا» تولید کردند. «مطالعات زنان» به «حقوق زن در اسلام» تبدیل شد. دانشجویان بورسیه در غربت می‌آز ماندند. ۷۸ درصد از قبول‌شدگان کنکور، جذب دانشگاه‌های پولی شدند. کنکور حذف‌شدنی مطلب حال دانشگاه‌ها مقدمه‌ذو و مقطع جدید برای مقایسه. دانشگاه قبل از دولت‌های نهم و دهم، و بعد دولت‌های نهم و دهم.

حرمت‌گرفتن پیام‌نور و افت کیفیت آموزشی

۳ به‌سختی می‌توان دولت‌های نهم و دهم در حوزه دانشگاه را بررسی کرد و نامی از دانشگاه پیام‌نور نداشت. دانشگاهی که بر اساس اهداف اولیه خود قرار بود دانشجویان را بصورت غیرحضوری پذیرش کند اما در دولت نهم برای کاهش ضریب‌نبوغ دانشگاه‌ها آن قدرت گرفت و در دولت دهم به جایی رسید که ۶۰درصد دانشجویان در ۲ نتقال کارشناسی را جذب خود کرد. حتی دامنه قدرت‌گرفتن این دانشگاه به جایی رسید که در سال ۹۰ تصمیم به برگزاری دوره‌های کارشناسی‌ارشد رشته‌هایی چون هوا - فضا، مهندسی عمران، مهندسی مکانیک و مهندسی نفت گرفت. برگزاری رشته‌هایی بدون امکانات ستاخترافزی و کارگاهی قدرت‌گرفتن دانشگاه پیام‌نور و بالاگرفتن سرعت اعطای مدرک به دانشجویان یکی دیگر از عملکردهای مورداتقاد در دولت‌های نهم و دهم است. دانشگاهی که ادعای غیردولتی‌بودن دارد و بالاترین سهم از بودجه را در مقایسه با دانشگاه‌های کشور می‌گیرد. به‌عنوان مثال این دانشگاه در سال ۹۲ بودجه‌ای ۱۰برابر دانشگاه صنعتی شریف دریافت کرده است.

فراموش‌کردن استقلال دانشگاه‌ها

۴ استقلال دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری، صرف بودجه، جذب اعضای هیات‌علمی و پذیرش دانشجوی دکترا مسالهای است که در سرام دولت‌های نهم و دهم دیده نمی‌شود. اولین قدم برای ازبین‌بردن استقلال دانشگاه‌ها در دولت نهم برداشته شد. آن زمان که در ب